

رسالت‌های نهاد علم و جامعه دانشگاهی برای ترویج و گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت

*** رضا مهدی

*** مسعود شفیعی

*** استاد دانشکده مهندسی برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران.

mshafiee@aut.ac.ir

*** دانشیار آموزش عالی، گروه مطالعات آینده‌نگر، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

mahdi002@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

چکیده

شتاب تحولات در عرصه‌های تمدنی موجب شده است که پیشرفت، یک فرایند پیچیده ارادی و آگاهانه مبتنی بر آینده‌پژوهی معتبر و هنجارمند باشد. در این فرایند پیچیده، موجودی‌های کشورها به اندازه‌ای نیست که با میل خویش حرکت کنند و به پیشرفت برسند. یک معیار قابل توصیه برای ملت‌های خواهان پیشرفت این است که از تمام سرمایه‌ها و منابع تمدنی خود با حداکثر بهره‌وری، بهره‌برداری کنند. از این‌رو، یکی از توصیه‌های عام برای جریان‌سازی الگوی پیشرفت، ترویج و گفتمان‌سازی آن براساس همه داشته‌های مادی و معنوی در مسیر تمدن‌سازی و پیشرفت است. نهاد علم و دانشگاه یکی از مهم‌ترین ارکان گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت در گستره یک تمدن دیرپا و ملت بزرگ است. با استناد به سرنوشت اسناد ملی موجود، بدون گفتمان‌سازی در گستره ملی با مشارکت همه نهادها و اشخاص ذی‌نفوذ از جمله دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی، حرکت در چارچوب الگوی موجود، دشوار، با دستاورد اندک یا حتی غیرممکن، خواهد بود. در این مقاله، با رویکرد توصیه‌ای مثبت‌گرا، رسالت مهم دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی در ترویج و گفتمان‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تبیین و تشریح داده شده است. براساس ایده کانونی این پژوهش، نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها شامل همه اعضای جامعه دانشگاهی و نهاد دانشگاه، باید یکی از رسالت‌های خود را مطابق با کارکردهای سه‌گانه آموزش، پژوهش و تحول فرهنگی- اجتماعی، ترویج و گفتمان‌سازی عمومی و تخصصی الگوی پیشرفت، تعریف و عملیاتی کنند. مشارکت مسئولان دانشگاه‌ها و دانشگاهیان در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت، دست‌کم دارای سه مزیت ویژه شامل استمرار و پایداری دستاوردها، مشارکت همگانی و جامعیت الگو در گستره ملی و تمدنی است.

واژه‌های کلیدی: الگوی پیشرفت، گفتمان‌سازی، ترویج دانش، رسالت دانشگاه، ارتباط علم و جامعه.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه و طرح مساله

سرعت، شتاب و گستره تحولات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و محیطی موجب شده است که پیشرفت و توسعه، یک فرایند پیچیده ارادی مبتنی بر تفکر و آینده‌پژوهی مشارکتی معتبر و هنجارمند باشد. در ابرفرایند پیچیده و پُرچالش پیشرفت، موجودی‌های دولت‌ها و ملت‌ها به اندازه‌ای نیست که مطابق میل خویش حرکت کنند و به سرمنزل مقصود نائل شوند [۱]. یک معیار

و سازوکار قابل توصیه برای همه ملت‌های در پیچ‌وخم پیشرفت، بهره‌برداری از تمام سرمایه‌ها و منابع تمدنی خود با حداکثر کارایی و اثربخشی است. از این منظر، یکی از توصیه‌های عام برای جریان‌سازی الگوی پیشرفت و تمدن‌سازی، گفتمان‌سازی آن براساس همه دارایی‌ها و داشته‌های تمدنی در ابعاد مادی و معنوی است. براساس تجربه تاریخی و سرنوشت تمدن‌های بزرگ، نهاد علم و معرفت و دانشگاه‌های امروزی یکی از مهمترین عناصر

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: رضا مهدی Mahdi002@gmail.com

و ارکان ارزشمند گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت در گستره یک تمدن دیرپا و ملت بزرگ است [۲]. با استناد به سرنوشت اسناد ملی موجود نظیر اسناد شش برنامه پنج‌ساله توسعه، سند نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی و سند مهندسی فرهنگی، بدون گفتمان‌سازی در گستره ملی با مشارکت همه نهادها و اشخاص ذی‌نفوذ، ذی‌ربط و مسئول از جمله دانشگاه‌ها و همه انواع مؤسسات آموزشی و پژوهشی، حرکت در چارچوب نقشه راه و الگوی موجود، دشوار، با دستاوردهای اندک یا حتی غیرممکن، ارزیابی می‌شود.

در این مقاله^۱، با رویکرد توصیه‌ای-ارشادی مثبت‌گرا و با استفاده از روش ترکیبی مرور غیر نظام‌مند اسناد، تحلیل کیفی محتوا و تحلیل مضمون، مأموریت و رسالت مهم نهاد دانشگاه و همه انواع مؤسسات آموزشی و پژوهشی در گفتمان‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تبیین و توضیح داده شده است. براساس ایده کانونی این مقاله، دانشگاه‌ها شامل جامعه دانشگاهی و نهاد دانشگاه باید در راستای تمدن‌سازی و پیشرفت، یکی از رسالت‌ها و مأموریت‌های اصلی خود را در کارکردهای سه‌گانه آموزش، پژوهش و انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری، ترویج، تبیین و همگانی کردن و گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت، قرار دهند. مشارکت دغدغه‌مند و مسئولانه دانشگاه‌ها در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت، دست‌کم می‌تواند برخوردار از سه مزیت مهم شامل استمرار و پایداری فرایند اجرای الگو و حصول دستاوردها، مشارکت همگانی، جامعیت الگو در گستره ملی باشد. در واقع، پرسش اصلی این مقاله این است که نهاد دانشگاه چه رسالتی در ترویج، همگانی کردن و گفتمان‌سازی عمومی و تخصصی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارد و این نهاد چگونه می‌تواند چنین رسالت و مأموریت سنگین و تاریخی را به نحو شایسته انجام دهد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دانشگاه امروزی یک نهاد واحد یکپارچه نیست، بلکه مجموعه‌ای از ساختارهای چندگانه، پیچیده و سست است [۳]. از این‌رو، مفهوم «چندکردی» [۴] به‌عنوان راهی برای توصیف کارکردها و نقش‌های مختلف و گاه متضاد

نظام‌های دانشگاهی مدرن، استفاده می‌شود [۵]. تعدادی از مفاهیم مربوط به نقش اجتماعی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را می‌توان در مبانی نظری و ادبیات نهاد دانشگاه و آموزش عالی پیدا کرد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با هدف کاهش تدریجی وابستگی به اعتبارات دولتی شروع به فعالیت به شیوه‌های نوین و کارآفرینانه کرده‌اند [۶]. دانشگاه‌های کارآفرین در ترکیب هویت‌های قدیمی با ویژگی‌های ساختاری جدید نظیر تقویت ساختارهای تصمیم‌گیری و ایجاد پل اتصال میان کارکردهای اصلی با جهان بیرون، دست به مخاطره می‌زنند [۷]. این امر با مفهوم «دانشگاه مدنی»^۲ که در آن مشارکت اجتماعی به‌طور ذاتی با آموزش و پژوهش مرتبط بوده و به‌عنوان یک فعالیت در سطح مؤسسه به جامعه دانشگاهی حس هدفمندی می‌دهد، در تضاد است [۸]. به‌طور مشابه، بنورث^۴ [۹] و واتسون و همکاران [۱۰] از «دانشگاه متصل»^۵ به عنوان دانشگاهی یاد می‌کنند که در آن جامعه دانشگاهی و مدیران نقش برجسته‌ای در پرداختن به مسائل حیاتی پیش‌روی جوامع پیرامون به‌ویژه جامعه هدف نظیر فقر و محرومیت اجتماعی (نابرابری)، کمک به مقابله با خطرات محیط‌زیستی، در چارچوب عدالت اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ایفا می‌کنند. امروزه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با فشارهای فزاینده‌ای برای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مواجه‌اند [۱۱].

براساس زمینه‌ها و بسترهای تجربی، روش‌های متعددی برای نشان دادن مسئولیت نهاد دانشگاه وجود دارد و این امر احتمالاً تا زمانی که دانشگاه‌ها همچنان بازیگران نسبتاً مستقل یا خودمختار باقی بمانند، حاکم خواهد بود. مسئولیت، استقلال و پاسخگویی در هم تنیده شده‌اند و باید در چارچوب یک الگوی مدیریت عملکرد، ارزیابی شوند [۱۲]. استقلال نهادی بیشتر به افزایش نظارت پس از وقوع (درباره خروجی‌ها و نتایج) منجر می‌شود. انتظارات بیرونی از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری بعید است که به این زودی‌ها از بین برود. سیاستمداران و سایر ذی‌نفعان بیرونی تا زمانی که دانشگاه‌ها همچنان از بودجه عمومی برخوردار باشند، به انتظارات خود از دانشگاه‌ها ادامه خواهند داد. وابستگی فزاینده تدریجی به اشکال درآمد بیرونی احتمالاً

۱. متن اولیه این مقاله، پیش‌تر در دوازدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به‌صورت سخنرانی مجازی ارائه شده است.

2. multiversity

3. civic university
4. Benneworth
5. engaged university



میزان نفوذ برخی از بازیگران بیرونی و برداشت‌ها و ادعاهای خاص آنها از مسئولیت را تشدید می‌کند. اکنون، برخی از اثرات دانشگاه مسئولیت‌پذیر در ساختارها، فعالیت‌ها و فرهنگ‌های دانشگاه‌ها احساس می‌شود، در حالی که برخی دیگر برای تحقق نیازمند زمان بسیار بیشتری هستند. مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که همانند یک هدف متحرک، به‌طور دائم در حال تکامل است و بر پایه شرایط زمانی و جغرافیایی شکل می‌گیرد. این فرآیندی مملو از معانی و مواضع هنجاری است که باید با دقت راهبری و مدیریت شود. در غیر این صورت، ممکن است به پیامد ناخواسته تشدید تقسیم‌بندی‌های فرهنگی موجود در دانشگاه منجر شود و ارزش‌های عمومی اولیه دانشگاه با ظهور بازار و صداها، انتقادی درباره نقش و مشروعیت دانش و متخصصان در جامعه جهانی به‌چالش کشیده شود. به عنوان نمونه، گروه‌های ذی‌نفع مختلف در داخل و بیرون نهاد دانشگاه، ظهور برنامه‌های مسئولانه در آموزش عالی را چگونه و با چه دیدگاهی فهم و تبیین می‌کنند؟

افزون بر ویژگی‌های پُرشمار، دانشگاه‌های امروزی رسالت‌محور و مأموریت‌گرا هستند [۱۳]. مأموریت و رسالت به‌مثابه هدف کلی و بلندمدت نهاد دانشگاه تعریف می‌شود [۱۴]. چنین هدف بزرگی می‌تواند براساس اصول ویژه‌ای بوده و یا محرک ارتباط دانشگاه با دولت و جامعه باشد. رهبرانی که رسالت و هدف کلان نهاد دانشگاه را به روشنی تشخیص می‌دهند و اموری را که برای آنها موضوعیت بیشتری دارد به وضوح و بدون ابهام مشخص می‌کنند، فرصت‌های بیشتری در جهت مطالبه جایگاه مشخص در جامعه ایجاد می‌کنند. رسالت نهاد دانشگاه باید دلیل کلی وجود آن را نشان دهد و مجموعه‌ای از هنجارها و انتظارات مربوط به روش انجام امور را فراهم کند و نهاد دانشگاه و رهبران آن را هدایت کند [۱۵]. رسالت، مبنایی برای روش تصمیم‌گیری رئیس و مدیران دانشگاه در رابطه با تمامی جنبه‌های نهادی از انتخاب هیأت‌امنا و یا هیأت‌رئیس تا در زمینه برنامه درسی و نحوه توزیع منابع، فراهم می‌کند. رسالت باید کانون و عامل اتصالی را ایجاد کند که کلیه اجزای دانشگاه (شامل شرکا و ذی‌نفعان) را بهم پیوند داده و به همراه آن، ارزش‌های قانونی را به عنوان راهنمای تصمیم‌گیری، بوجود آورد. رسالت باید مدیران دانشگاه را یاری کرده تا نه تنها آنچه را که دانشگاه باید انجام دهد را مشخص نمایند، بلکه با همان درجه اهمیت، آنچه را که

مدیران نباید انجام دهند را نیز تعیین کند. فقدان رسالت روشن و متمایزکننده می‌تواند از تمرکز دانشگاه کاسته و منجر به ایجاد اهداف و مقاصد نامعلومی شود که به نوبه خود می‌تواند مسائل درونی و بیرونی برای دانشگاه ایجاد کند. رسالت‌محوری باید به دانشگاه امکان دهد که از رسالت خود به عنوان یک ذره‌بین برای تفسیر تغییرات محیطی استفاده کرده و آرمان دانشگاه را با آنچه در محیط رخ می‌دهد پیوند و اتصال دهد. توانایی رهبران دانشگاه‌ها برای فهم و سازگاری با تغییرات محیط بیرونی ضمن انطباق با ارزش‌های قانونی دانشگاه، نیازمند نظم است که تغییر را از منظر رسالت نهادی تفسیر کند. در زمان تدوین یک برنامه راهبردی، رهبران باید چشم انداز بیرونی و همچنین فعالیت‌های درونی را برای اطمینان از هماهنگی جهت‌گیری آینده با ارزش‌های قانونی، بررسی نمایند [۱۶]. دانشگاهی که نتواند با محیط پیرامون منطبق و سازگار شود، قطعاً چنین دانشگاهی نمی‌تواند به فرایند شکوفایی تمدن و سازندگی آن کمک کند [۱۷]. در واقع، تمدن به نوعی محیط بیرونی دانشگاه بوده و سازگاری با محیط به معنا و مفهوم مدرسانی به سازندگی و شکوفایی تمدن و تنظیم فعالیت‌های نهادی براساس تحولات جامعه و نیازهای بیرونی (تمدن) است. منظور از سازگاری و انطباق دانشگاه با محیط و جامعه؛ سازش، تسلیم شدن و تسخیر نهاد علم توسط عوامل و نیروهای محیطی نیست [۱۸]، بلکه تنظیم برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات نهادی با رعایت شرایط محیطی و مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و محیط پیرامون است و این سازگاری باید همسو، هم‌افزا و حتی هم‌آفرین با رسالت و مأموریت دانشگاه باشد. در سیستم‌های پیچیده، برخلاف تصور ساده‌انگارانه وجود یکسویه جزء در کل، با حقیقت مهم‌تری مبنی از وجود جزء در کل و کل در جزء مواجه هستیم [۱۹]. با این تلقی و برداشت، علاوه بر اینکه دانشگاه به‌عنوان یک جزء در کلیت تمدن (به‌منزله محصول الگوی پیشرفت) وجود دارد و سازنده و تشکیل‌دهنده آن است، تمدن نیز به عنوان یک جزء در کلیت دانشگاه (به تعبیر اصولی‌تر، زیست‌جهان دانشگاه) وجود دارد و می‌تواند و باید سازنده، شریک و تشکیل‌دهنده دانشگاه باشد. به بیان دیگر، همچنان که دانشگاه، جزئی از کلیت پیشرفت و تمدن است، تمدن نیز جزئی از کلیت دانشگاه می‌باشد و این دو می‌توانند و باید به ترویج، شکل‌گیری، شکوفایی، بازتولید و مقابله با فراگردهای



متلاشی شدن و اضمحلال صوری یا مفهومی یکدیگر، کمک کنند. براساس این مبانی، تمدن و دانشگاه، نسبت به همدیگر واجد شرایط و رابطه فرع و اصل نیستند و هر یک از آنها می‌تواند و باید به ارتقا و شکوفایی دیگری کمک کند. رهبران جامعه و نظام آموزش عالی باید در تقویت و سازندگی تمدن و دانشگاه بکوشند و شرایط بالندگی و شکوفایی آنها را فراهم و تأمین کنند [۲۰]. تمدن اسلامی در دوره طلایی خود، چنین تجربه و اندوخته شگفت‌انگیز را دارد [۲] و می‌تواند و باید آن تجربه را با امکانات و راهکارهای امروزی، بازسازی و احیا کند [۱].

یکی از رسالت‌های دانشگاه‌ها، ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری و کمک به شکوفایی آن است. داشتن حس روشن از رسالت نه تنها توانایی دانشگاه‌ها را برای کسب اعتبارهای مهم بهبود می‌دهد، بلکه اثر مثبت بر پیامدهای یادگیری دانشجویان داشته و آموزش مدنی را ارتقا می‌بخشد [۲۱]. از نهادهای آموزش عالی و دانشگاه‌ها انتظار می‌رود برای بهبود جامعه و ارتقای آرمان‌های مردم‌سالارانه، در خدمت ملت و جامعه باشند. قدیمی‌ترین مؤسسات آموزش عالی جهان، عمدتاً با نیت پیشرفت اهداف اجتماعی، تأسیس شده‌اند. به‌عنوان نمونه، رودولف^۱ [۲۲] آورده است که تأسیس کالج (دانشگاه) هاروارد و همه کالج‌های مستعمراتی آمریکا به‌خاطر ضرورت و احساس مسئولیت اجتماعی برای نسل‌های آینده این کشور بوده است. جوامع، حکومت‌ها و کلیساهای خواهان شکوفایی، باید مردم را برای راهبری این نهادهای حیاتی آموزش می‌دادند. از منظر بنیانگذاران ملت آمریکا، آموزش عالی و نهادهای مرتبط با آن برای پرورش نسل بعدی شهروندانی که قادر به پیشبرد جامعه و فعالیت در آن باشند، ضروری بوده است [۲۲]. بسیاری بر این باورند که ارتقای آرمان‌های مردم‌سالاری که منجر به انقلاب آمریکایی شد تا حدی توسط مردان حرفه‌ای آموزش‌دیده در اروپا یا یکی از مؤسسات آموزش عالی این کشور، تجدید نیرو کرده و تجهیز شده بودند. برکین^۲ [۲۳] رهبرانی که به‌طور مستقیم در خلق قانون اساسی ایالات متحده مشارکت داشتند را مردان آموزش‌دیده در جوامع عمدتاً کشاورزی و روستایی، توصیف کرده و الیس^۳ [۲۴] معتقد است که مردم آمریکا ذی‌نفع

«خرد متراکمی»^۴ بودند که بنیانگذاران ملت به‌واسطه آموزش‌های رسمی و ضمنی در معرض آن بوده‌اند. بدون وجود این مجموعه فوق‌العاده از افراد تحصیل‌کرده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تأسیس آمریکا می‌توانست مسیر متفاوتی داشته باشد. برپایه بنیان مردم‌سالاری که توسط افراد تحصیل‌کرده بنا نهاده شد، به‌راحتی می‌توان فهمید که چگونه تحصیل، به‌ویژه تحصیل در نهادهای آموزش عالی، به‌عنوان بخشی از ویژگی‌ها و شخصیت مردم کشور قلمداد شده است که این امر، گویای نقش و رسالت مهم دانشگاه‌ها در پیشرفت همه‌جانبه جامعه و ملت می‌باشد. اهداف والای جامعه را تنها می‌توان از طریق مردم‌سالاری مشارکتی (متناسب با معیارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده هر جامعه) محقق کرد [۲۵]. دویی تأکید می‌کند اکثر پیشرفت‌های دانش اغلب زمانی روی داده‌اند که تمرکز بر حل موضوعات مهم اجتماعی بوده است. بر مبنای نظریه دویی، این پیشرفت‌ها در اغلب موارد، زمانی به‌وقوع پیوسته‌اند که یادگیری در کلاس درس با یادگیری در خارج از نهاد دانشگاه در جهان واقعی، متصل و همراستا (هم‌افزا و هم‌آفرین) بوده است. جهان واقعی خارج از کلاس درس، پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی بوده و کنترل آن دشوار است. این جهان، سرشار از سیاست‌ها، واقعیت‌های اقتصادی و تغییر آداب و رسوم اجتماعی است که همگی بر نحوه تعامل نهادهای آموزش عالی و رابطه آنها با جهان خارج برج عاج، تأثیرگذار است.

تعریف بوی^۵ [۲۶] از هدف آموزش عالی، مباحث گسترده‌ای درباره نقش مدنی آموزش عالی ایجاد کرده است: هدف آموزش عالی نه تنها آماده‌سازی دانشجویان برای کارراهه شغلی بهره‌ور بلکه، توانمندسازی آنها برای زندگی شرافت‌مندانه و هدفمند، نه تنها تولید دانش جدید بلکه هدایت دانش برای مقاصد انسانی، نه تنها دولت‌پژوهی بلکه کمک به شکل‌دهی شهروندان برای توسعه خیر عامه است. بوی [۲۷] عنصر تعهد و مسئولیت^۶ را به عنصر دانشوری اضافه کرده است. پوتنام^۷ [۲۸]. معتقد است سلامت یک نظام مردم‌سالار به مشارکت فعال شهروندان وابسته است. وی درباره ایالات متحده ادعا می‌کند که درصد بالایی از مردم این کشور با همسایگان و جوامع محلی خود ارتباط ندارند.

5. Boyer
6. Scholarship of Engagement
7. Putnam

1. Rudolph
2. Berkin
3. Ellis
4. Accumulated Wisdom



او استدلال می‌کند که برای مقابله با این روند، توسعه راهبردهای بهبود سرمایه اجتماعی و بی‌علاقگی سیاسی در میان شهروندان باید با اولویت بالایی در دستور کار همه ارکان اثرگذار شامل آحاد مردم، سیاست‌گذاران، حکومت و جامعه، باشد. اگر چه او بیان نکرده است که آموزش عالی تنها راه حل است، اما یافته‌ها و توصیه‌های او در حوزه‌های علمی، بخشی از نیروی پیشران برخی سازمان‌های ملی و انجمن‌های آموزش عالی برای دعوت از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای مشارکت بیشتر با جوامع محلی و محیط پیرامون است.

از نظر ژاکوبی^۱ و همکاران [۲۹]، تعهد مدنی، اقدام براساس حس والای مسئولیت در قبال جامعه است. از این منظر، منظور از تعهد مدنی، آمادگی دانشجویان برای تبدیل شدن به شهروندان مطلع، فعال و مسئولیت‌پذیر در یک جامعه مردمسالار، متعهد به تلاش برای تغییر مثبت اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی، است. برخی از فعالیتهای تغییر مثبت اجتماعی می‌تواند در محیطهای آموزشی سنتی تحت رهبری یک عضو هیأت علمی روی دهد یا می‌تواند در زمانی که دانشجویان در یک تجربه یادگیری اجتماعی نظیر پژوهش درباره یک موضوع محیطی مرتبط با تکالیف درسی مشارکت می‌کنند، اتفاق بیفتد. هر اندازه که دانشگاهها سازوکارهای پشتیبانی بیشتری را برای این گونه فعالیتها وضع کنند نهاد مربوط و دانشجویان با احتمال بیشتری به امور مدنی متعهد خواهند شد. امروزه، تعهد مدنی به جنبه مهمی از رسالت خدماتی بسیاری از نهادهای آموزش عالی تبدیل شده است [۳۰]. انتظارات از هیأت علمی برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با پیشرفت از چندین منبع شامل افزایش مطالبات از دانشگاه‌ها برای مسئولیت و تعهد مدنی، حاصل می‌شود. کلیشه قدیمی هیأت علمی برج عاج‌نشین، به سرعت در حال ناپدید شدن است [۳۱]. آنها برای بالندگی هیأت علمی و رشد علمی پیشنهاد می‌کنند: اعضای هیأت علمی راه‌هایی برای پرورش میل و اشتیاق برای خلق خود به مثابه معلم، پژوهشگر و شریک در خدمات و تعهد اجتماعی شناسایی کنند که کارراه علمی را به مثابه مسیری برای پیشرفت زندگی خود فعالانه انتخاب کرده و فعالانه به انتخاب ادامه می‌دهند [۱۳].

1. Jacoby

۲. این سمینار در اواخر قرن بیستم با حضور رهبران و صاحب‌نظران آموزش عالی اروپا و آمریکا در سال ۱۹۹۸ در شهر گلیون سوئیس برگزار شد و

در «سمینار^۲ دانشگاهی گلیون^۳»، رسالت دانشگاه‌ها عمدتاً مشتمل بر تعهد اخلاقی برای کمک به پیشرفت‌های فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه معرفی شده است. به‌علاوه، برای دانشگاه‌های دولتی، این رسالت یک تهدد قانونی است که حتی‌المقدور بهبود وضع و شرایط کشور و منطقه مورد توجه راهبرن آموزش عالی قرار گیرد. به‌منظور عمل به تعهد، دانشگاه‌ها باید در جهت کمک به کشف دانش نوین و ارج نهادن به تعقیب دانش و یادگیری مادام‌العمر تلاش کنند. با انجام این کار، دانشگاه‌ها علاوه بر ایجاد شور و نشاط فکری به رفاه اقتصادی جامعه کمک می‌کنند، شهروندان فرهیخته تربیت می‌کنند، نسل جدیدی از پیشگامان در حوزه علوم انسانی، علوم پایه و حرفه‌ها پرورش می‌دهند و بیش از پیش درگیر فعالیت‌ها و برنامه‌های خدمات عمومی می‌شوند تا از این رهگذر، توجه شهروندان و جامعه را به دانش و یافته‌های پژوهشی استادان جلب کنند [۳۲]. از نظر اغلب صاحب‌نظران حاضر در سمینار دانشگاهی گلیون، آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی سه رسالت بنیادی دانشگاه‌هاست که باید جدی‌تر از گذشته به این رسالت‌ها توجه شود. دانشگاه‌ها باید با دقت بیشتری به نظرات جامعه توجه کنند تا نیازها و انتظارات در حال تغییر جامعه و همچنین ادراک و تلقی جامعه از آموزش عالی را به‌ویژه با عنایت به عوامل و نیروهای پیشران تغییر، بفهمند. دانشگاه‌ها باید در زمان ارائه برنامه‌های تحصیلی و یا شروع پژوهش‌های نوین، در برابر نیازها و انتظارات جامعه حساسیت بیشتری نشان دهند. دانشگاه‌ها باید اشتیاق و تمایل بیشتری به مشارکت با دولت، صنعت و سایر نهادهای آموزش عالی نشان دهند و یا حتی رهبری این کار را برعهده گیرند. دانشگاه‌ها باید شرکای قابل اعتمادی برای بنگاه‌ها، نهادها و جامعه باشند. دانشگاه‌ها باید احساس مسئولیت خود را نسبت به جامعه تقویت کنند و بیش از پیش، نگهبانان مستقل فرهنگ و ارزش‌های جمعی و بهترین مکان (فضا) برای انتقادهای سازنده و ارائه نظرات نو باشند. حاصل حساسیت و مسئولیت‌پذیری بیشتر دانشگاه‌ها، افزایش شفافیت و پاسخگویی این نهادها است. دانشگاه‌ها نباید همچون گذشته، خود را برتر از جامعه بدانند. و در برابر هیچ‌کس یا نهادی پاسخگو نباشند. لازمه این امر،

چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم مورد بحث و مدقه جدی قرار گرفت.

3. Glion Colloquium

تواضع و مردم‌سالاری درونی و تلاش مضاعف در برقراری تعامل با جامعه است.

در این سمینار، در راستای بهبود روش‌های تحقق اهداف کلان و رسالت دانشگاه‌ها در هزاره سوم، چهار راهکار اجرایی پیشنهاد می‌شود: ۱. پاسخ به تقاضاهای نوین آحاد مردم به واسطه ارضای نیازهای علمی بزرگسالان در محل کار، همزمان با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای یادگیری مادام‌العمر تمام افراد، ۲. مشارکت با نهادهای جامعه، ۳. حساسیت‌افزایی بیشتر نسبت به «توسعه پایدار» در میان جامعه دانشگاهی، ۴. تعلیم و تربیت دانشجویان با دو هدف شامل تبدیل شدن آنها به متخصصان ماهر در رشته تحصیلی خویش و تبدیل شدن آنها به شهروندان خوبی که قادر به درک و نقد سازنده توسعه جامعه باشند.

در زمینه و موقعیت ایران، می‌توان گفت عمده محتوای «سند دانشگاه اسلامی» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۹۲ [۳۳] یک چارچوب راهنما و مرجع برای رسالت و مأموریت عام آموزش عالی و نظام‌ها و خرده‌نظام‌های دانشگاهی است. در این سند، رسالت و مأموریت دانشگاه‌ها این‌گونه معرفی شده است: دانشگاه‌ها نماد بالاترین سطح علم و فرهنگ محسوب می‌شوند. از این‌رو، آموزش عالی باید مبدأ تحولات علم و فرهنگ باشد. احیای هویت تمدنی و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مستلزم رشد متوازن و همه‌جانبه ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که در مسیر تعالی آن، آموزش عالی عهده‌دار نقش پیشران است. در این سند، رسالت‌های مختلفی در ابعاد فرهنگی- تربیتی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی برای آموزش عالی تعیین شده است: تربیت متخصصان متعهد، خلاق، متخلق، ماهر و کارآفرین، تولید، انتقال و انتشار علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه، ساختاری کارآمد و اثربخش با تعامل سازنده و اثرگذار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

به‌علاوه، اصول و مبانی دانشگاه اسلامی به‌شرح زیر تدوین و تنظیم شده است:

۱. حاکمیت اصول اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی، ۲.
۳. قدسیت علم و محیط‌های علمی (تلقی عبادت برای یاددهی- یادگیری)، ۴. تقدم تزکیه بر یاددهی- یادگیری، ۵. تعهد به آرمانهای انقلاب اسلامی، ۶.
۷. تقدم منافع ملی و مصالح

عمومی بر منافع فردی و گروهی و اتمام بر وحدت ملی (در خدمت جامعه بودن دانشگاه‌ها)، ۸. تمدن‌سازی دانشگاه‌ها (الگو شدن برای دانشگاه‌های جهان و احراز مرجعیت علمی)، ۹. وحدت حوزه و دانشگاه (تعامل و همکاری همه‌جانبه علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، ۱۰. عدالت‌محوری در تمام شئون دانشگاهی، ۱۱. تعادل و هماهنگی در نظام‌های فرهنگی- تربیتی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی، ۱۲. ارتقای جایگاه خانواده در تعالی علمی و فرهنگی دانشجویان، ۱۳. اعتلای فرهنگی فضای عمومی دانشگاه براساس فرهنگ اسلامی، ۱۴. اهتمام به ملازمت پیوستگی آموزش و پرورش و آموزش عالی (پیوستگی مدرسه و دانشگاه).

همچنین، چشم‌انداز آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ به‌شرح زیر تدوین شده است:

«برخوردار از دانشگاه‌های پیشگام در عرصه تولید دانش تمدنی و تبیین و توسعه فرهنگ جهان اسلام و پیشتاز در گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی و کارآمد مبتنی بر نگرش و حیانی به منظور کسب مرجعیت علمی و فرهنگی در منطقه و جهان اسلام و دارای استادان عالم، متدین، عدالت‌خواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب، مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با توانایی تربیت متخصصان متدین و متعهد و دانشمندان برتر». در چشم‌انداز دانشگاه در بُعد فرهنگی- تربیتی که همسویی بیشتری با رسالت عام دانشگاه‌ها دارد، آورده شده است: تربیت انسان خردورز، آزاداندیش و خلاق، با اعتماد به نفس علمی و ملی بالا و تأمین‌کننده استقلال علمی و خودکفایی کشور، برخوردار از هویت تمدن ساز اسلامی- ایرانی، الهام‌بخش در جهان اسلام، متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، پرورش‌دهنده نخبگانی عالم، معتقد، متشعر و متخلق و مهذب و تجلی‌بخش سبک زندگی اسلامی- ایرانی.

همچنین، در سند دانشگاه اسلامی اهداف کلان دانشگاه‌ها به‌شرح زیر ترسیم شده است:

۱. تعمیق و نهادینه‌سازی معارف و آموزه‌های اسلامی، ۲.
۳. تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ۳. تولید دانش تمدنی به‌ویژه علوم انسانی- اسلامی، ۴. تعمیق خردورزی و عقلانیت و تقویت روحیه آزاداندیشی و خلاقیت، ۵.
۶. دستیابی دانشگاه‌ها به اقتدار علمی، فرهنگی و اقتصادی در منطقه و جهان اسلام، ۶. توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر

عقلانیت، تکریم علم و عالم، ارزشمندی ذاتی علم و ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش‌های فکری- علمی و دستاوردهای علمی بشری و بهره‌گیری از آنها در چارچوب نظام ارزشی اسلام، ۷. علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندساز، ثروت‌آفرین و هماهنگ با محیط زیست، سلامت معنوی و جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه، ۸. ایجاد تحول بنیادین علمی به‌ویژه در بازبینی و طراحی علوم انسانی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی، ۹. تعامل فعال و الهام‌بخش با محیط جهانی و فرایندهای توسعه علم و فناوری در جهان، ۱۰. اخلاق‌محوری، تقدّم مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی، تقویت روحیه تعاون و مشارکت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه علمی و نهادهای مرتبط. در تنظیم ویژگی‌های اصلی الگوی نظام علم و فناوری و نوآوری نقشه جامع علمی کشور، تلفیق آموزش با تربیت، پژوهش و مهارت به‌عنوان یکی از این ویژگی‌ها معرفی شده است.

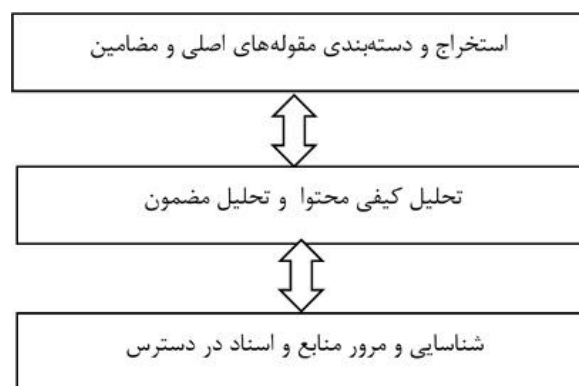
۳- روش پژوهش

در این مقاله، برای تبیین رسالت دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به‌منظور گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت از روش مرور غیر نظام‌مند اسناد، تحلیل کیفی محتوا و تحلیل مضمون، تجارب و دانش حضور در چندین کنفرانس ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تجربه زیسته در فضا و سلسله‌مراتب بروکراسی دانشگاه، استفاده شده است [۱]. رسالت دانشگاه‌ها در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوا و تحلیل مضمون، از منابع و اسناد گردآوری‌شده و در دسترس، استخراج و معرفی شده است (به شرح شکل شماره ۱).

آمایش سرزمین، ۷. توسعه تعامل علمی در عرصه‌های بین المللی و دستیابی به مرجعیت علمی و فرهنگی در منطقه و جهان اسلام، ۸. گسترش تعامل دانشگاه‌ها با حوزه‌های علمیه، ۹. تحقق سبک زندگی اسلامی، ۱۰. ارتقای مستمر و نظام‌مند ابعاد علمی، مهارتی و اخلاقی جامعه دانشگاهی، ۱۱. مارکت حداکثری دانشگاه‌ها در تمدن‌سازی نوین اسلامی، ۱۲. احیا و ارتقای نقش خانواده در فرایند تعلیم و تربیت.

افزون بر سند دانشگاه اسلامی [۳۳] بخش‌های مهمی از «سند نقشه جامع علمی کشور» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۸۹ [۳۴] یک چارچوب راهنما و مرجع برای رسالت و مأموریت عام آموزش عالی و نظام‌ها و خرده‌نظام‌های دانشگاهی است. در این سند، مبانی و ارزش‌های بنیادین، ویژگی‌های اصلی نظام علم و فناوری و نوآوری، چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴، اهداف نظام علم و فناوری و راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و فناوری، دستورکارهایی برای رسالت و مأموریت عام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. در این سند، مبانی و ارزش‌های بنیادین علم و فناوری به شرح زیر معرفی شده است:

۱. حاکمیت جهان‌بینی توحیدی اسلام در تمام ابعاد علم و فناوری، ۲. علم هدایت‌گر و هدفمندی آخرت‌گرایانه علم و فناوری، ۳. عدالت‌محوری، پرورش استعدادها و دستیابی همگان بویژه مستضعفان در حوزه علم و فناوری و تقویت خلاقیت، نوآوری و خطرپذیری در علم، ۴. کرامت انسان با تکیه بر فطرت حقیقت‌جو، عقل‌گرا، علم‌طلب و آزادگی، ۵. آزاداندیشی و تبادل آرا و تضارب افکار، ۶. توجه به اصل



شکل ۱. فرایند کلی پژوهش

۴- یافته‌های پژوهش

در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دست‌کم در سیزده تدبیر از مجموعه تدابیر این سند به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم، نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و رسالت‌های نهاد علم در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت طراحی شده است: شناساندن علمی و واقع‌بینانه ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، گسترش تعلیم و تربیت وحیانی، عقلانی و علمی، تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری، ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقشار علمی و فرهنگی به ویژه معلمان و استادان، تحقیق و نظریه‌پردازی برای تبیین عدم تعارض دوگانه‌هایی از قبیل عقل و نقل، علم و دین، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت، و تولید ثروت و معنویت از سوی صاحب‌نظران و نهادهای علمی کشور، تقویت و گسترش تولید علمی اصیل، بومی و مفید در رشته‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دستاوردهای بشری، توسعه علوم بین‌رشته‌ای و مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای بدیع و

مفید، کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی، حمایت فزاینده و مطالبه متناسب از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم در راستای رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه، ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی روزآمد و کارآمد، ارتقای دانش‌های مهارتی و تنوع‌بخشی به شیوه‌های مهارت‌افزایی، ارتقای دانش پایه و توسعه شبکه‌های علم، فناوری و نوآوری با همکاری متقابل مؤسسات علمی و پژوهشی، صنایع و دولت در فرایند تولید کالا و خدمات، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی با استفاده از دستاوردهای نوین علمی و تجارب تاریخی و احیای بازارهای تولیدی تخصصی مطابق قابلیت‌های سرزمینی.

براساس تحلیل منابع و اسناد در دسترس، با تأکید بر سه کارکرد کلیدی دانشگاه‌ها شامل آموزش، پژوهش و خدمات فرهنگی- اجتماعی، مضامین و مقوله‌های اصلی در حوزه رسالت دانشگاه‌ها در ترویج، همگانی‌کردن و گفتمان‌سازی کلیت الگوی پیشرفت و مفاهیم آن، به‌شرح جدول ۱ استخراج و جمع‌بندی شده است.

جدول ۱. مقوله‌ها و مضامین همسو با رسالت دانشگاه‌ها در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت

ردیف	مضمون (مقوله اصلی)	توصیف مختصر
۱	رهبری و حکمرانی موفق دانشگاه‌ها	رسالت‌محوری، مشارکت‌های مردم‌سالارانه و انطباق با محیط از اصول اساسی رهبری و حکمرانی موفق در دانشگاه‌ها است. رسالت‌محوری امکان می‌دهد که دانشگاه‌ها از رسالت خود برای تفسیر تغییرات محیطی استفاده کرده و آرمان دانشگاه را با آنچه در محیط رخ می‌دهد پیوند دهد. انطباق با محیط به معنای تنظیم برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات نهادی با رعایت شرایط محیطی و مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و محیط است و این سازگاری باید همسو، هم‌افزا و هم‌آفرین با مأموریت دانشگاه باشد.
۲	مشارکت در تمدن‌سازی	دانشگاه‌ها نقش و مسئولیت مهمی در رابطه با تمدن و الگوی آن یعنی الگوی پیشرفت، دارند. بنا به کارکردها و ویژگی‌های خاص دانشگاه‌ها، گفتمان‌سازی از مسئولیت‌ها و وظایف ویژه دانشگاه‌ها است.
۳	ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری	ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری و کمک به شکوفایی آن از رسالت‌های دانشگاه‌ها است. انتظار این است که دانشگاه‌ها برای بهبود و تعالی جامعه و ارتقای آرمان‌های مردم‌سالاری، در خدمت ملت و جامعه باشند.
۴	تمرکز بر حل مسائل و موضوعات مهم اجتماعی	عمده پیشرفت‌های دانش، زمانی ایجاد شده‌اند که تمرکز بر حل موضوعات مهم اجتماعی بوده است. هدف آموزش عالی نه تنها آماده‌سازی دانشجویان برای شغل بلکه، توانمندسازی آنها برای زندگی شرافتمندانه و هدفمند و هدایت دانش برای مقاصد انسانی و کمک به شکل‌دهی شهروندان برای توسعه خیر عمومی است.
۵	تعهد مدنی	تعهد مدنی به عنوان اقدام براساس حس والای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال جامعه، جنبه مهمی از رسالت نهادهای آموزش عالی است. تعهد مدنی، آمادگی جامعه دانشگاهی و دانشجویان برای تبدیل شدن به شهروندان مطلع، فعال و مسئولیت‌پذیر در یک جامعه مردم‌سالار، متعهد به تلاش برای تغییر مثبت اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی، است. هر اندازه که دانشگاه‌ها سازوکارهای پشتیبانی بیشتری را برای این قبیل فعالیت‌ها وضع کنند دانشگاه‌ها و دانشجویان با احتمال بیشتری به امور مدنی متعهد می‌شوند.
۶	افزایش انتظارات از اعضای هیأت علمی و جامعه دانشگاهی	انتظارات از اعضای هیأت علمی برای مشارکت در فعالیت‌های همسو با پیشرفت و تعهد مدنی رو به افزایش است. عضو هیأت علمی برج عاج‌نشین، به‌سرعت در حال ناپدید شدن است. اعضای هیأت علمی باید ابزارها و راه‌هایی برای پرورش اشتیاق برای خلق خود به‌مثابه مربی، پژوهشگر و شریک در خدمات و تعهد اجتماعی

		شناسایی کنند و حرفه علمی را به مثابه مسیری برای پیشرفت زندگی خود فعالانه انتخاب کرده و به صورت فعال و پُرانرژی به انتخاب و گزینش درست خود ادامه دهند.
۷	هم‌افزایی و هم‌آفرینی تمدن و دانشگاه	تمدن، محیط بیرونی دانشگاه بوده و سازگاری با آن به معنای مدد‌رسانی به سازندگی و شکوفایی تمدن و تنظیم فعالیت‌های نهادی براساس تحولات جامعه و نیازهای تمدنی است. سازگاری تمدن و دانشگاه باید همسو، هم‌افزا و هم‌آفرین باشد. در سیستم‌های پیچیده، جزء در کل و کل در جزء وجود دارد. از این‌رو، علاوه بر اینکه دانشگاه در کلیت تمدن وجود دارد، تمدن نیز در کلیت دانشگاه وجود داشته و می‌تواند و باید سازنده، شریک و تشکیل‌دهنده آن باشد.

۱. رهبری و حکمرانی موفق دانشگاه‌ها

رسالت‌محوری، مشارکت‌های مردم‌سالانه و انطباق و سازگاری با محیط و جامعه از اصول مهم رهبری و حکمرانی موفقیت‌آمیز دانشگاه‌ها و تأثیرگذاری آن است. رسالت‌محوری به دانشگاه‌ها این امکان را می‌دهد که از رسالت خود به عنوان یک ذره‌بین برای تفسیر تغییرات محیطی استفاده کرده و آرمان دانشگاه را با آنچه در محیط رخ می‌دهد پیوند و اتصال دهد. در این مفهوم، انطباق و سازگاری دانشگاه‌ها با محیط به معنای تنظیم برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات نهادی با رعایت شرایط محیطی و مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و محیط پیرامون است. این سازگاری باید همسو، هم‌افزا و حتی هم‌آفرین با رسالت و مأموریت دانشگاه باشد. از این منظر، گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت از رسالت‌ها و معیارهای کارآمدی و موفقیت دانشگاه‌ها می‌باشد و کم‌توفیقی و یا عدول از آن، معیاری برای ناکارآمدی نظام دانشگاهی و رهبران و راهبران آن است.

۲. مشارکت در تمدن‌سازی

از یک‌سو، دانشگاه‌ها در همه انواع کارکردها و کارویژه‌های خود، به صورت ارادی یا ناآگاهانه، مشارکت و سهم مهمی در تمدن‌سازی دارند و از سوی دیگر، الگوی پیشرفت یکی از عناصر، زیرساخت‌ها و مؤلفه‌های تمدن و تمدن‌سازی است. با این دیدگاه، دانشگاه‌ها نقش و مسئولیت مهمی در رابطه با تمدن و الگوی آن یعنی الگوی پیشرفت، دارند. بنا به کارکردهای عام و خاص دانشگاه‌ها، گفتمان‌سازی و ترویج الگوی پیشرفت از مسئولیت‌ها و وظایف خاص دانشگاه‌ها است.

۳. ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری

یکی از رسالت‌های دانشگاه‌ها، ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری و کمک به شکوفایی آن است. ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری، اثر مثبتی بر پیامدهای یادگیری

دانشجویان داشته و سطح آموزش مدنی را ارتقا می‌بخشد. از نهادهای آموزش عالی انتظار می‌رود که برای بهبود و ارتقای روزافزون نهاد جامعه و ترفیع آرمان‌های مردم‌سالارانه، در خدمت ملت و جامعه باشند. الگوی پیشرفت، یکی از مصادیق و مبانی آرمان‌های مردم‌سالاری بوده و دانشگاه‌ها وظیفه دارند که این آرمان ملی را به طرق ممکن ترویج کنند.

۴. تمرکز و ابتنا بر حل مسائل و موضوعات مهم اجتماعی اکثر پیشرفت‌های دانش، زمانی روی داده‌اند که تمرکز بر حل مسائل، موضوعات و ابتلائات مهم اجتماعی بوده است. به علاوه، این پیشرفت‌ها در اغلب موارد، زمانی ایجاد شده‌اند که یادگیری در کلاس درس با یادگیری در خارج از نهاد دانشگاه در جهان واقعی، پیوسته بوده است. از این منظر، هدف آموزش عالی نه تنها تجهیز و آماده‌سازی دانشجویان برای شغل مناسب و بهره‌ور بلکه، توانمندسازی آنها برای زندگی شرافتمندانه و هدفمند، نه تنها تولید دانش جدید بلکه هدایت دانش برای نیات و مقاصد انسانی، نه تنها دولت‌پژوهی بلکه کمک به شکل‌دهی شهروندان برای توسعه و ارتقای خیر عمومی در راستای منافع جمعی است. از این‌رو، دانشگاه‌ها مسئولیت دارند که سند کلیدی حل مسائل و موضوعات اجتماعی (الگوی پیشرفت) را به مثابه یک موضوع ملی به مسأله و موضوع خود تبدیل کرده و نسبت به ترویج و گفتمان‌سازی آن اقدام کنند.

۵. تعهد مدنی

تعهد مدنی به عنوان اقدام براساس حس والای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال جامعه، به جنبه مهمی از رسالت نهاد علم و دانشگاه‌ها تبدیل شده است. تعهد مدنی به مفهوم مهم و حساس آمادگی جامعه دانشگاهی و دانشجویان برای تبدیل شدن به شهروندان مطلع، فعال و مسئولیت‌پذیر در یک جامعه مردم‌سالار، متعهد به تلاش برای تغییر مثبت اجتماعی در سطح محلی،



با این اندیشه، علاوه بر اینکه دانشگاه به‌عنوان یک جزء در کلیت تمدن وجود دارد و سازنده و تشکیل‌دهنده آن است، تمدن نیز به‌عنوان یک جزء در کلیت دانشگاه وجود دارد و می‌تواند و باید سازنده، شریک و منشأ دانشگاه باشد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در مجموعه تدابیر سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و رسالت‌های عام و خاص نهاد علم و جامعه دانشگاهی و علمی در ترویج، همگانی‌کردن و گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت مورد تأکید و تصریح است: شناساندن علمی و واقع‌بینانه ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، گسترش تعلیم و تربیت وحیانی، عقلانی و علمی. همچنین، تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری، ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقشار علمی و فرهنگی به ویژه معلمان و استادان، تحقیق و نظریه‌پردازی برای تبیین عدم تعارض دوگانه‌هایی از قبیل عقل و نقل، علم و دین، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت از جمله تدابیر الگوی اسلامی پیشرفت در حوزه نهاد علم و دانشگاه‌ها است. به‌علاوه، تولید ثروت و معنویت از سوی صاحب‌نظران و نهادهای علمی کشور، تقویت و گسترش تولید علمی اصیل، بومی و مفید در رشته‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دستاوردهای بشری، توسعه علوم بین‌رشته‌ای و مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای بدیع و مفید، کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی، از رسالت‌های دانشگاه‌ها در تحقق الگوی پیشرفت می‌باشد. افزون بر آن، حمایت فزاینده و مطالبه متناسب از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی برای تولید علم در راستای رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه، ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی روزآمد و کارآمد، ارتقای دانش‌های مهارتی و تنوع‌بخشی به شیوه‌های مهارت‌افزایی، ارتقای دانش پایه و توسعه شبکه‌های علم، فناوری و نوآوری با همکاری متقابل مؤسسات علمی و پژوهشی، صنایع و دولت در فرایند تولید کالا و خدمات، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی با استفاده از دستاوردهای نوین علمی و تجارب تاریخی و احیای بازارهای تولیدی تخصصی مطابق قابلیت‌های

ملی و جهانی، است. برخی از فعالیت‌های تغییر مثبت اجتماعی می‌تواند در محیط‌های یادگیری سنتی با راهبری یک عضو هیأت علمی روی دهد یا می‌تواند در زمانی که دانشجویان در یک تجربه یادگیری اجتماعی نظیر پژوهش درباره یک موضوع محیطی مرتبط با تکالیف درسی مشارکت می‌کنند، اتفاق بیفتد. در مجموع، هر اندازه که دانشگاه‌ها سازوکارهای پشتیبانی بیشتری را برای فعالیت‌های مرتبط با تعهد مدنی وضع کنند نهاد دانشگاه و دانشجویان با احتمال بیشتری به امور مدنی متعهد خواهند شد. به نظر می‌رسد هیچ مسئولیت و تعهدی، فراتر از مسأله و موضوع پیشرفت کشور و نقشه راه و الگوی کلان آن وجود ندارد. از این‌رو، نهاد دانشگاه و جامعه دانشگاهی درباره گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت واجد تکلیف و تعهد هستند و انتظار می‌رود که به‌نحو شایسته به عهد خود عمل کنند. ۶. افزایش انتظارات از اعضای هیأت علمی و جامعه دانشگاهی

انتظارات از هیأت علمی برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با پیشرفت و تعهد مدنی از گذشته وجود داشته و امروزه در حال افزایش است. کلیشه قدیمی هیأت علمی برج عاج‌نشین و هیأت علمی سرگرم موضوعات پژوهشی انفرادی، به‌سرعت در حال ناپدید شدن و رنگ باختن است. در این رویکرد مسئولانه، از اعضای هیأت علمی انتظار می‌رود که روش‌ها و راه‌هایی برای پرورش میل و اشتیاق برای خلق خود به‌مثابه مربی، پژوهشگر و شریک در خدمات و تعهد اجتماعی شناسایی کنند و کارراه علمی خود را به‌مثابه مسیری برای پیشرفت زندگی خود فعالانه انتخاب کرده و به انتخاب صحیح خود دائماً ادامه دهند.

۷. هم‌افزایی و هم‌آفرینی تمدن و دانشگاه

تمدن به نوعی محیط بیرونی دانشگاه بوده و سازگاری با محیط به معنا و مفهوم مدرسانی به سازندگی و شکوفایی تمدن و تنظیم فعالیت‌های نهادی براساس تحولات جامعه و نیازهای تمدنی است. منظور از سازگاری و انطباق دانشگاه با محیط و جامعه؛ سازش، تسلیم شدن و تسخیر نهاد علم توسط عوامل و نیروهای محیطی نیست، بلکه تنظیم برنامه‌ها و فعالیت‌ها با رعایت شرایط محیطی و مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و محیط پیرامون است و این سازگاری باید همسو، هم‌افزا و هم‌آفرین با رسالت و مأموریت دانشگاه باشد. براساس علیت چرخشی، در سیستم‌های پیچیده، جزء در کل و کل در جزء وجود دارد.

سرزمینی، از مسئولیت‌های دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی در مواجهه مسئولانه با سند الگوی پیشرفت است. براساس تدابیر مرتبط با نقش دانشگاه‌ها و نهاد علم و جامعه دانشگاهی در تحقق آرمان و اهداف سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، هفت مضمون و مقوله اصلی شامل رهبری و حکمرانی موفق دانشگاه‌ها، مشارکت در تمدن‌سازی، ترویج آرمان‌های مردم‌سالاری، تمرکز بر حل مسائل و موضوعات مهم اجتماعی، تعهد مدنی و افزایش انتظارات از جامعه دانشگاهی و اعضای هیأت علمی (به شرح جدول ۱) نشان می‌دهد که نهاد علم و دانشگاه‌ها رسالت خطیری در ترویج، همگانی کردن و گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت دارند. حاکمیت، سیاست‌گذاران و رهبران علمی وظیفه دارند زیرساخت‌های نرم و سخت تحقق این رسالت سنگین را تأمین و فراهم نمایند. در اسناد فرادستگاهی آموزش عالی و نظام دانشگاهی نظیر سند دانشگاه اسلامی و نقشه جامع علمی کشور بر نقش و رسالت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایفای نقش در تمدن‌سازی، تعامل با جامعه و کمک به فرایندهای پیشرفت و تعالی جامعه تأکید شده است. یکی از مهم‌ترین فرایندهای پیشرفت، الگوی پیشرفت است که دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی می‌توانند مشارکت خوبی در تحقق آن از طرق مختلف از جمله گفتمان‌سازی کلیت و مفاهیم الگو، داشته باشند. با توجه به نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در پیشرفت و تمدن‌سازی، از یک سو لازم است که در هندسه تقسیم کار ملی، سهم و نقش بیشتری به جامعه دانشگاهی و نهاد دانشگاه در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت داده شود و از سوی دیگر، از این نهاد و جامعه فعال آن انتظار می‌رود که به این وظیفه و مسئولیت خود عمل کنند. با عنایت به کارکردهای اصلی آموزش عالی و دانشگاه شامل کارکرد آموزش، کارکرد پژوهش و کارکرد فرهنگی-اجتماعی و تدابیر پیش‌بینی شده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت راجع به نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و جامعه علمی در کاربست تدابیر و تحقق الگوی پیشرفت، پیشنهاد می‌شود که نهاد علم و دانشگاه‌ها از طرق زیر در گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت نقش ایفا کنند:

1. Cognitive

۱. آموزش و انتقال دانش شامل گنجاندن محتوا و مفاهیم الگوی پیشرفت در برنامه‌های درسی به‌ویژه در دروس عمومی و دروس رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، براساس این پیشنهاد، انتظار می‌رود که به‌صورت آشکار و پنهان، تمامی برنامه‌های درسی عمومی و دروس معارفی در راستای مبانی، افق، اهداف و تدابیر الگوی پیشرفت، متحول و بازبینی اساسی و بنیادی شود. در این بازبینی و تحول باید روزآمدی و کارآمدی محتوای دروس مد نظر طراحان و برنامه‌ریزان باشد.

۲. پژوهش و خلق و نشر دانش شامل پژوهش درباره محتوا و مفاهیم الگوی پیشرفت در دو وجه شناختی و هنجاری، نهاد علم، دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی می‌توانند (و باید) در دو جنبه شامل وجه شناختی^۱ و وجه هنجاری^۲ محتوا و مفاهیم الگوی پیشرفت را مورد کنکاش و واکاوی مستمر قرار دهند. ایجاد ظرفیت و بسترسازی برای پژوهش و خلق دانش در حوزه مقوله‌ها و مفاهیم الگوی پیشرفت، موجب عمومی‌سازی و ترویج دائمی و نهادینه شدن محتوا و مفاهیم الگو در میان نخبگان و کل جامعه شود.

۳. ترویج و همگانی‌سازی محتوا و مفاهیم الگوی پیشرفت از طریق همایش‌ها، نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها، کرسی‌های نظریه‌پردازی و ترویجی و نقد، هر سال، هزاران همایش، نشست، هم‌اندیشی، کرسی نظریه‌پردازی و علمی-ترویجی و نقد با حضور انبوهی از صاحب‌نظران در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی برگزار می‌شود. این رویدادهای علمی می‌تواند جایگاه و سکویی برای ترویج، عمومی‌سازی و گفتمان‌سازی محتوا، مقوله‌ها و مفاهیم الگوی پیشرفت شود. این همه مبانی، افق، اهداف و تدابیر تعریف شده در الگوی پیشرفت چگونه می‌تواند بدون ترویج و همگانی‌سازی به‌واسطه ظرفیت‌های منحصر به فرد دانشگاه‌ها و جامعه علمی عملیاتی و محقق شود.

۴. تربیت شهروند مسئول و فرهنگ‌سازی براساس اهداف و مفاهیم الگوی پیشرفت و طراحی و انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بر مبنای محتوای الگوی پیشرفت. براساس رسالت و مأموریت علم نهاد علم و دانشگاه‌ها، طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شامل انواع فوق برنامه‌ها، اردوها، بازدیدهای

2. Normative



نهاد علم، دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی به‌عنوان یک تکلیف، مسئولیت و وظیفه خطیر ملی مطالبه شود. به‌علاوه، دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی در گفتمان‌سازی و پیاده‌سازی و اجرای الگوی پیشرفت از جمله تربیت نسل جوان همسو، همراه و مأنوس با اهداف و مفاهیم الگوی پیشرفت، مشارکت داده شوند. به‌عبارتی، در اجرای موفق الگوی پیشرفت، حق و تکلیف به‌طور همزمان و متوازن برای نهاد دانشگاه و جامعه دانشگاهی تعریف و پی‌گیری شود: «حق مشارکت؛ تکلیف گفتمان‌سازی و تمهید شرایط تحقق اثربخش الگوی پیشرفت».

علمی، فعالیت و اشتغال در نهادهای فرهنگی دانشجویی نظیر کانون‌ها، انجمن‌های علمی دانشجویی و تشکلهای اسلامی، از کارکردهای کلیدی این نهادها و مؤسسات است. دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی انتظار می‌رود بخشی از ظرفیت و استعداد سرشار خود در حوزه فرهنگی و اجتماعی را معطوف و متمرکز بر تربیت شهروندان مسئول و فرهنگ‌سازی براساس اهداف، مفاهیم و تدابیر الگوی پیشرفت نمایند.

در آخر، پیشنهاد می‌شود ترویج و گفتمان‌سازی فعالانه الگوی پیشرفت و مراحل و فعالیت‌های پیش و پس آن، از

منابع

- Clark, B. R. (1998). *Creating Entrepreneurial Universities: Organizational Pathways of Transformation*. New York: Pergamon.
- Goddard, J., Hazelkorn, E., & Vallance, P. (2016). *The Civic University: The Policy and Leadership Challenges*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Benneworth, P. (2013). *University Engagement with Socially Excluded Communities*. Dordrecht: Springer.
- Watson, D., Hollister, R., Stroud, S. E., & Babcock, E. (2011). *The Engaged University: International Perspectives on Civic Engagement* (first Ed.). London: Routledge.
- Sorensen, Mads P., Geschwind, L., Kekale, J. and Pinheiro, R. (2019). *Responsible University: Exploring the Nordic Context and Beyond*, Palgrave Macmillan.
- Pinheiro, R., Geschwind, L., Hansen, H. F., & Pulkkinen, K. (Eds.). (2019). *Reforms, Organizational Change and Performance in Higher Education: A Comparative Account from the Nordic Countries*. Cham: Palgrave.
- Hendrickson, Robert M., Lane, Jason E., Harris, James T. & Dorman, Richard H. (2013). *Academic Leadership and Governance of Higher Education, USA*, Stylus.
- Welzenbach, L. F. (1982). *College and university business administration*, 7(1), 1-10.
- Mahdi, Reza (2022). Developing a National Division of Labor Mechanism to Begin the Process of Implementing the Progress Model, *Quarterly Journal of Entrepreneurship Studies and Sustainable Agricultural Development*, No. 18, pp.39-52. [in Persian]
- Sarton, George (1949). *Introduction to the History of Science*, translated by Gholamhossein Sadri Afshar, Volume 1, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [in Persian]
- Pinheiro, R., & Young, M. (2017). The University as an Adaptive Resilient Organization: A Complex Systems Perspective. In J. Huisman & M. Tight (Eds.), *Theory and Method in Higher Education Research* (pp. 119–136). Bingley: Emerald.
- Kerr, C. (2001). *The Uses of the University*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Castells, M. (2001). Universities as Dynamic Systems of Contradictory Functions. In J. Muller, N. Cloete, & S. Badat (Eds.), *Challenges of Globalisation. South African Debates with Manuel Castells* (pp. 206–233). Cape Town: Maskew Miller Longman.
- Etzkowitz, H. (2001). The Second Academic Revolution and the Rise of Entrepreneurial Science. *Technology and Society Magazine*, 20(2), pp.18–29.



24. Ellis, J. J. (2007). *American creation: Triumphs and tragedies at the founding of the republic*. New York, NY: Knopf.
25. Dewey, J. (1916). *Democracy and education: An introduction to the philosophy of education*. New York, NY: Free Press.
26. Boyer, E. (1990). *Scholarship reconsidered: Priorities of the professoriate*. Princeton, NJ: Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching.
27. Boyer, E. (1996). The scholarship of engagement. *Journal of Public Outreach*, 1(1), pp.11–20. doi:10.2307/3824459.
28. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon & Schuster.
29. Jacoby, B., & Associates. (2009). *Civic engagement in higher education: Concepts and practices*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
30. Berberet, J. (2002). Nurturing an ethos of community engagement. *New Directions for Teaching and Learning*, 90, 91–100. doi:10.1002/tl.59.
31. O'Meara, K. A., Terosky, A. T., & Neumann, A. (2009). Faculty careers and work lives: Professional growth perspectives. *ASHE Higher Education Report*, 34(3).
32. Hirsch W. & Weber L. (1999). *Challenges facing Higher Education at the Millennium*, Arisona: Oryex.
33. Supreme Council of Cultural Revolution (2013). *Document of Islamic University*, Tehran, Iran. [in Persian]
34. Supreme Council of Cultural Revolution (2010). *Document of Comprehensive Scientific Map of the Country*, Tehran, Iran. [in Persian].
- Washington, DC: National Association for College and University Business Officers.
15. Maurrasse, D. J. (2001). *Beyond the campus: How colleges and universities form partnerships with their communities*. New York, NY: Routledge.
16. Lane, J. E. (2005). *Politics of mission creep: A framework for understanding the phenomena*. Paper presented at the annual meeting of the Association for the Study of Higher Education, Philadelphia, PA. Association for the Study of Higher Education, Philadelphia, PA.
17. Mahdi, Reza (2018). *An Introduction to the Interaction of the University with the Surrounding Environment*, Tehran, Institute for Cultural and Social Studies. [in Persian]
18. Yemenidozi Sorkhabi, M. (2009). *The Adapting University: A Complex Process, New Approaches and Perspectives in Higher Education*, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [in Persian]
19. Morin, Edgar (1990). *An Introduction to Complex Thought*, translated by Afshin Jahandideh, Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
20. Siahpoush, Seyed Abu Torab (2010). Characteristics of a Civilizing University, *Quarterly Journal of Cultural Sociology*, 1(2), pp. 105-122. [in Persian]
21. Colgan, C. & de Russy, C. (2006). *Essays in perspective: Assessing the university president*. Washington, DC: Institute for Effective Governance in Higher Education.
22. Rudolph, F. (1962). *The American college and university: A history*. New York, NY: Random House.
23. Berkin, C. (2002). *A brilliant solution: Inventing the American constitution*. New York, NY: Houghton Mifflin Harcourt.